



دوره ۷ - شماره ۲۰ - تابستان ۱۴۰۳

واکاوی جایگاه کنگره و اختیارات آن در نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا

امیررضا محمودی، عباس تقوایی، محدثه قوامی‌پور سرشکه

چالش‌های حضور جوامع مدنی در فرایند دادرسی کیفری در ایران

انسبه سلیمی، علی دادخواه

تحلیلی بر فروض مسئولیت کیفری ضابطین قضایی با تاکید بر نظریه «مشارکت با فضیلت» در حقوق ایران

هادی مسعودی فر، نفیسه شیرازی

جرم انگاری شکار کودکان و نوجوانان در فضای سایبر در حقوق ایران

حمید عیاده پور، مریم کمائی، داریوش کلانتری

مسئولیت قیم؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و فرانسه

اکرم السادات مکی، اسماعیل کشکولیان

عاملیت ژن در جرائم سایبری و تاثیر آن در ارتکاب رفتار مجرمانه با تاکید بر جرم‌شناسی سایبری

سجاد صنعت‌جو، مائده دقیقی، شهرروز دربندی

امکان‌سنجی مشروعیت استبدال مال موقوفه در مذاهب فقهی اسلامی و حقوق موضوعه ایران

الهام طبرسا، محدثه صادقیان لمراسکی

واکاوی در آراء ابن سینا پیرامون زنان و کودکان و مقایسه آن با مفاد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

و کنوانسیون حقوق کودک

محمد مهدی داور، ریحانه صادقی

واکاوی چالش‌های اجرایی دستور ضبط وثیقه در شعب اجرای احکام کیفری

اکبر محمودی، ایمان اسفندیار

امکان‌سنجی دفاع مشروع از طریق حملات سایبری

صالح غلام‌حیدری

چالش‌های حکمرانی مبتنی بر توسعه پایدار در نظام بودجه ریزی ایران

محمد مهدی رضوانی فر، زهرا سلیمی

ساخت دولتی در خدمت زنان: ادغام جنسیت در دولت‌سازی پساناقشه

مرجان مرادی

سلاح‌های جنگ، ابزار عدالت: استفاده از هوش مصنوعی در مرحله تحقیقات جرایم بین‌المللی

نوید زمانه قدیم، آرام عباسپور جلالی

نقش و اهمیت دیوان عدالت اداری در تضمین حقوق فردی

زهرا معاریان



The Place of Congress and its Powers in the Political System of the United States of America

Amirreza Mahmoudi

Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

Abbas Taghvaei

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

Mohadeseh Ghavami Pour Sereshkeh

PhD student in criminal law and criminology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran (Corresponding Author)

واکاوای جایگاه کنگره و اختیارات آن در نظام سیاسی ایالات متحده امریکا

امیررضا محمودی

استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران
amirreza_mahmodi@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0001-8997-5071>

عباس تقوایی

استادیار گروه معارف اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران
Taghvaei.abbas@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0003-2901-4353>

محدثه قوامی پور سرشکه

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول)
mohadesehghavamipour@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0002-8865-270x>

Abstract

The US Congress, as one of the main governing forces in the US political system, plays a key and unique role. The main task of the Congress is to legislate based on the Constitution, which is extensively discussed in the text of the Constitution. This shows the importance and pivotal role of this institution from the point of view of the drafters of the Constitution. The Congress has a bicameral structure including the Senate and the House of Representatives, and the approval of both houses is necessary to pass laws. Legislation is exclusively in the power of Congress and even the President cannot interfere in this process. Congressional performance is monitored through the confirmation of senior government officials and the impeachment process. In addition to legislation, Congress has other duties; including approving the government budget, approving foreign treaties, approving ministers and judges of the Federal Supreme Court, declaring war and impeaching the president. This research was done to investigate the position of Congress and the influence and authority of this institution in the policies of the United States of America using a descriptive and analytical method.

Keywords: Congress, Political System, United States of America, Powers of Congress.

چکیده

کنگره ایالات متحده امریکا به‌عنوان یکی از قوای اصلی حکومت در نظام سیاسی ایالات متحده امریکا، نقش کلیدی و منحصر به فردی را ایفا می‌کند. وظیفه اصلی کنگره قانون‌گذاری بر اساس قانون اساسی است که در متن قانون اساسی به طور گسترده به آن پرداخته شده است. این امر نشان‌دهنده اهمیت و نقش محوری این نهاد از دیدگاه تدوین‌کنندگان قانون اساسی است. کنگره دارای ساختار دوجلسی شامل مجلس سنا و مجلس نمایندگان است و برای تصویب قوانین، تأیید هر دو مجلس ضروری است. قانون‌گذاری انحصاراً در اختیار کنگره قرار دارد و حتی رئیس‌جمهور نمی‌تواند در این فرایند دخالت کند. نظارت بر عملکرد کنگره از طریق تأیید مقامات ارشد دولتی و روند استیضاح انجام می‌شود. علاوه بر قانون‌گذاری، کنگره وظایف دیگری نیز دارد؛ از جمله تصویب بودجه دولت، تصویب پیمان‌های خارجی، تأیید وزرا و قضات دیوان عالی فدرال، اعلان جنگ و استیضاح رئیس‌جمهور. این پژوهش با هدف بررسی جایگاه کنگره و میزان تأثیرگذاری و اختیارات این نهاد در سیاست‌گذاری‌های ایالات متحده امریکا به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

واژگان کلیدی: کنگره، نظام سیاسی، ایالات متحده امریکا، اختیارات کنگره.

ارجاع:

محمودی، امیررضا؛ تقوایی، عباس؛ قوامی‌پور سرشکه، محدثه؛ (۱۴۰۳)، واکاوی جایگاه کنگره و اختیارات آن در نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا، تمدن حقوقی، شماره ۲۰.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا بر پایه قانون اساسی فدرال استوار است که قوانین اساسی ایالت‌ها نیز باید با آن هماهنگ باشند. در راس این نظام، دیوان عالی فدرال قرار دارد که وظیفه نهایی تفسیر قانون اساسی را بر عهده دارد. ساختار حقوقی از دو نظام موازی حقوق فدرال و حقوق ایالتی تشکیل شده است. حقوق فدرال شامل قانون اساسی، قوانین کنگره، مقررات دولت فدرال، پیمان‌های بین‌المللی و رویه قضایی دیوان عالی است. حقوق ایالتی نیز شامل قوانین اساسی، مقررات و رویه قضایی هر ایالت در حوزه صلاحیت‌های ایالتی می‌باشد. در صورت تعارض بین حقوق فدرال و ایالتی، حقوق فدرال بر حقوق ایالتی ارجحیت دارد (اصل برتری). این ساختار حقوقی دوگانه سبب شده تا هم‌سطح ملی و هم‌سطح ایالتی در تنظیم امور حقوقی نقش داشته باشند. اصل تفکیک قوا موجب تقسیم قدرت و ایجاد سازمان‌های تخصصی می‌شود که هر یک بر اساس کارکردها و مسئولیت‌های خود به انجام وظایف خاص خود می‌پردازند. این اصل ایجاب می‌کند که هر قوه، بدون دخالت در حیطه اختیارات و وظایف دیگری، کار خود را انجام دهد (هاشمی، ۱۳۸۷، ۱۲).

ساختار و صلاحیت‌های قوای مجریه و مقننه در ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که قانون اساسی این کشور، اصل تفکیک قوا را رعایت کرده و سازوکارهای لازم را برای آن تعیین نموده است. بر همین اساس، اصول اول تا سوم قانون اساسی به ترتیب به قوای مقننه، مجریه و قضاییه اختصاص یافته‌اند.

باین‌حال، محتوای اصلی این اصول، توجه به دو سطح فدرال و ایالتی بوده و بیشتر به تنظیم روابط میان دولت فدرال و ایالات با یکدیگر و با کمترین اصطکاک ممکن می‌پردازد (زرننگ، ۱۳۸۴، ۳۱۷).

نظام تفکیک قوا در امریکا، قدرت را بر مبنای «سیستم توازن و بررسی» میان قوای سه‌گانه تقسیم کرده، به‌نحوی که هر قوه بر عملکرد سایر قوا نظارت دارد (مرادی و دهشیار، ۱۳۹۶). باین‌حال، بر اساس اصل تفکیک قوا، رئیس‌جمهور منتخب مردم است و هم نقش رئیس‌کشور و هم وظیفه رئیس‌دولت را بر عهده دارد. قوه مجریه در مقابل کنگره مسئولیت سیاسی ندارد، به این معنا که مجالس قوه مقننه نمی‌توانند رئیس و اعضای قوه مجریه را استیضاح و بازخواست کنند و قوه مجریه نیز حق تعطیلی و انحلال مجالس مقننه را ندارد. تهیه لایحه قانونی و ارسال آن به قوه مقننه در اختیار رئیس‌جمهور و دولت وی نیست، هرچند حضور رئیس‌جمهور و وزیران در مجالس و همکاری برای تصویب قوانین مانعی ندارد (قاضی شریعت پناهی، ۱۴۰۲، ۲۶۰).

در حالت کلی، حیات قوای مقننه و مجریه به یکدیگر وابسته نیست و هریک طبق قانون اساسی و در چهارچوب قوانین وضع شده به فعالیت می‌پردازند. اما ارتباط و همکاری قوا با یکدیگر ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. این روابط از منظر سیاسی بسیار بااهمیت است. رئیس‌جمهور و کنگره باید از هم‌سویی و هماهنگی لازم برخوردار باشند، زیرا در نظام ریاستی، ابزاری برای حل اختلاف میان آن‌ها وجود ندارد (Pactet, 2003, 234). بخشی از چگونگی روابط در قانون اساسی به‌صورت اختیارات متقابل رئیس‌جمهور و کنگره مشخص شده است و بخشی دیگر از قواعد عرفی ناشی می‌شود که از طریق نهادهای سیاسی غیرحکومتی مانند احزاب و گروه‌های نفوذ محقق می‌گردد.

این پژوهش از نوع نظری و به شیوه توصیفی-تحلیلی با گردآوری مطالب از کتاب‌ها و پژوهش‌های متعدد معتبر سیاسی و حقوقی مورد بررسی و ارزیابی کیفی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

چنین به نظر می‌رسد که بیشتر تحقیقات مربوط به کنگره در ایران با توجه به تنش‌های موجود میان ایالات متحده آمریکا با ایران پس از انقلاب ۱۹۷۹ میلادی، به سمت نقش کنگره در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا گرایش داشته باشد. در اینجا به برخی از مهم‌ترین تحقیقات صورت گرفته، به‌عنوان سابقه پژوهش، اشاره خواهیم کرد:

اول- دهشیار (۱۳۸۳) در مقاله «کنگره و ماهیت سیاست خارجی امریکا» نشان داده که با توجه به تصریح قانون اساسی ایالات متحده امریکا بر تقسیم «قدرت‌های مربوط به مدیریت، طراحی، برنامه‌ریزی و اداره سیاست خارجی» میان دو قوه مجریه و مقننه و با توجه به تکیه آن‌ها بر یکدیگر، شاهد یک سیر تاریخی در روابط بین این دو نهاد هستیم. بعد از جنگ دوم جهانی نقش رئیس‌جمهور افزون‌تر شد و در خلال جنگ وینتام در اوایل دهه هفتاد میلادی این نقش به چالش کشیده شد؛ باین حال و به‌رغم تأثیر «ویژگی‌های شخصیتی رئیس‌جمهوری و رهبران سیاست خارجی در کنگره»، نقش کنگره ایالات متحده امریکا در حیطه «سیاست ساختاری» و نقش رئیس‌جمهور در حیطه «سیاست بحران» در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا چشم‌گیرتر شمرده شده است.

دوم- علوی و امیری (۱۳۹۵) در مقاله «نقش کنگره و وزارت خزانه‌داری امریکا در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۴-۲۰۱۰)» به نقش مصوباتی مانند «قانون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران، سوریه و کره شمالی» (مصوبه ۱۹۹۹ میلادی و اصلاح شده در سال ۲۰۱۱ میلادی) پرداخته که به دولت ایالات متحده امریکا این اجازه را می‌داد که نسبت به تحریم افراد خارجی، مؤسسات حقوقی و دولت‌هایی که تلاش‌هایی در زمینه اشاعه فعالیت‌های هسته‌ای داشتند، اقدام نماید.

سوم- مرادی و دهشیار (۱۳۹۶) در مقاله «نقش کنگره ایالات متحده در وضع تحریم‌ها علیه ایران» ضمن بررسی تفکیک و درعین حال نظارت قوا بر یکدیگر، به نقش کنگره در نظارت بر تصمیمات حوزه سیاست خارجی و همچنین «تداخل نقشی میان رئیس‌جمهور و کنگره» پرداخته و به این نتیجه رسیده که کنگره سعی دارد در این حوزه و علی‌الخصوص سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در قبال ایران، «نقش برتر» را ایفاء کرده و در مورد ایران سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر و تهاجمی‌تری را دنبال کند.

چهارم- تقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «وتوی رئیس‌جمهور در حقوق ایالات متحده» به نقش رئیس‌جمهور در امضای مصوبات مجلس نمایندگان و سنا و تبدیل این مصوبات به قانون و به قدرت کنگره در ابطال وتوی رئیس‌جمهور، بر مبنای قانون اساسی ایالات متحده، پرداخته‌اند.

۱- سازمان کنگره

قوه مقننه حکومت فدرال ایالات متحده امریکا «کنگره» نامیده می‌شود که با توجه به اصل اول قانون اساسی این کشور از دو مجلس نمایندگان و مجلس سنا تشکیل شده است. با توجه به ترکیب و تعداد

اعضای دو مجلس و در راستای توجه متناسب به ایالات کم جمعیت در برابر ایالات پر جمعیت، ترکیب مجلس سنا به گونه‌ای تنظیم شد که موقعیت ایالات با جمعیت کم نسبت به ایالات بزرگ‌تر، افزایش پیدا کند (فابرینی، ۱۳۸۷، ۱۷۳).

به‌طور معمول از سوم ژانویه هر سال اجلاس کنگره به‌صورت سالانه شروع و زمان پایان اجلاس به‌طور معمول در آخرین ماه سال است. از آنجایی که کنگره یک ارگان شورایی و جمعی است، تقسیم کار در جلسات، مدیریت جلسات و طبقه‌بندی‌های حزبی و سیاسی در نتیجه مذاکرات مؤثر است؛ اما نکته قابل توجه در مذاکرات درون کنگره، اصولی و سازمان‌یافته نبودن این مذاکرات است. به‌عنوان مثال، سناتورها با در اختیار گرفتن کامل وقت مجلس به‌وسیله طولانی کردن سخنرانی‌های خود، می‌توانند از طرح و تصویب قانونی که مطابق میل شان نیست جلوگیری نمایند و لذا می‌توان گفت که به‌نوعی از حق و توی ضمنی برخوردارند. رکورددار این حالت سناتوری به نام «استروم تیورموند» بود که در سال ۱۹۵۴ میلادی به دلیل مخالفت با گسترش حقوق مدنی، تریبون مجلس سنا را بیست و چهار ساعت و هجده دقیقه به‌طور عمد با قرائت انجیل و دفترچه تلفن تحت اختیار گرفت (Gicquel, 2003, 254).

در نظام ریاستی ایالات متحده آمریکا، مذاکرات کنگره عمدتاً حول محور تصویب قوانین است؛ چراکه در این سیستم اعضای قوه مجریه در مجالس مقننه حضور پیدا نمی‌کنند و امکان استیضاح، تذکر و سؤالات شفاهی از آن‌ها وجود ندارد.

۲- مدیریت کنگره

رئیس مجلس نمایندگان «سخنگو» نام دارد که با اکثریت آراء به‌وسیله اعضای آن مجلس، برای مدت دو سال انتخاب می‌شود. سخنگو عنوانی اقتباسی از سنت پارلمانی انگلستان است، اما رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا اقتدار و اختیار همتای خود در انگلستان را ندارد. رئیس مجلس نمایندگان بی‌طرف نیست و رهبریت حزب اکثریت در پارلمان را بر عهده دارد. رئیس مجلس نقش غیرقابل‌انکاری در سرنوشت مذاکرات دارد و می‌تواند قبل از آنکه یک طرح قانونی در مجلس مطرح شود آن را به کمیسیون موافق یا مخالف بفرستد و بدین ترتیب می‌تواند در سرنوشت طرح‌های قانونی مؤثر باشد (تنک، ۱۳۷۴، ۵۰).

معاون رئیس‌جمهور وظیفه ریاست مجلس سنا را بر عهده دارد. این مقام سمتی تشریفاتی است که برخلاف اصل تفکیک قوا بر وی تحمیل می‌شود. به همین سبب و به دلیل اشتغالات اجرایی و سیاسی،

وی اغلب در مذاکرات مجلس شرکت نمی‌کند، مگر در صورت تساوی آرای مثبت و منفی یک مصوبه که با رأی معاون رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس سنا سرنوشت مصوبه تعیین می‌شود؛ بنابراین معاون رئیس‌جمهور در اکثر جلسات حضور ندارد و در غیاب وی اداره مجلس سنا به‌وسیله رئیس‌علی‌البدل انتخابی توسط سناتورها صورت می‌گیرد، که معمولاً رئیس حزب اکثریت در مجلس سنا نیز می‌باشد.

۳- کمیسیون‌های موجود در کنگره

کمیسیون‌ها در کنگره ایالات متحده آمریکا دائمی است. در مجلس سنا بیست کمیسیون و در مجلس نمایندگان بیست‌وشش کمیسیون دائمی و تخصصی وجود دارد که تعداد اعضای آن در مجلس نمایندگان تا پنجاه نفر و در مجلس سنا تا سیزده نفر است. هر کدام از دو حزب بزرگ باید متناسب با تعداد نمایندگان خود در مجلس عضو داشته باشند. از قاعده قدمت برای تقسیم کرسی‌های مدیریتی کمیسیون‌ها استفاده می‌شود، بدین معنا که رئیس و متصدیان پست‌های دیگر در کمیسیون‌ها به ترتیب قدمت اعضای آن در کار پارلمانی انتخاب می‌شوند (تنک، ۱۳۷۴، ۵۲). برای عضویت اعضای مجلس نمایندگان و سناتورها در کمیسیون‌ها محدودیت وجود دارد، بدین صورت که سناتورها می‌توانند حداکثر در دو کمیسیون دائمی و اعضای مجلس نمایندگان فقط در یک کمیسیون دائمی عضو باشند.

کمیسیون‌ها نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در فرایند قانون‌گذاری دارند؛ چراکه طرح‌های قانونی برای انجام بررسی‌های مقدماتی پیش از مطرح شدن در مجلس به کمیسیون مرتبط ارجاع داده می‌شود. مشخص کردن کمیسیون بررسی‌کننده در مجلس سنا با سناتوری است که طرح را مطرح کرده و در مجلس نمایندگان بر عهده سخنگو است. کمیسیون‌ها حق اصلاح و تجدیدنظر در متن پیشنهادی را دارند و گزارش موافق یا مخالف خود را همراه با طرح به مجلس ارسال می‌کنند. همچنین کمیسیون‌ها می‌توانند با بایگانی کردن طرح قانونی از تبدیل آن به قانون جلوگیری کنند، چراکه اعتبار هر طرح تا انقضای دوره اجلاس است، البته در چنین مواردی مجلس این اختیار را دارد که با رأی صریح خود موضوع را در دستور کار قرار دهد. کمیسیون قوانین از مهم‌ترین و اساسی‌ترین کمیسیون در هر مجلس است که با مشخص کردن طرح‌های مورد بحث و مذاکره، دستور جلسات مجلس را تعیین می‌کند.

ایجاد کمیسیون تحقیق علاوه بر کمیسیون‌های داخلی در حوزه اختیارات مجلس نمایندگان و مجلس سنا قرار دارد. این کمیسیون‌ها با تحقیق و تفحص در مسائل مربوط به قوه مجریه، مجلس را از نتیجه اعمال

خود آگاه می‌کنند. همچنین کمیسیون‌های دائمی و کمیسیون‌های تحقیق حق احضار اشخاص اعم از شهروند عادی یا اعضای قوه مجریه، به استثنای رئیس‌جمهور و معاون وی را برای کسب اطلاعات و استماع اظهارات را دارند و حتی در صورت حضور پیدا نکردن اشخاص، حق جلب آن‌ها را نیز دارند.

۴- فراکسیون‌های موجود در کنگره

سناتورها و نمایندگان هر حزب، فراکسیون آن حزب را در مجلس تشکیل می‌دهند. فراکسیون‌ها که نقش به‌سزایی در اداره مجلس دارند، نامزدهای احزاب سمت‌های سخنگویی مجلس نمایندگان، ریاست علی‌البدل مجلس سنا و نمایندگان عضو در کمیسیون‌ها را تعیین می‌کنند. اعضای فراکسیون‌ها رؤسای خود را انتخاب می‌کنند که این رؤسا بعد از رئیس در مجلس سنا و سخنگو در مجلس نمایندگان مهم‌ترین شخصیت کنگره هستند. رؤسای فراکسیون‌ها با تدوین و تنظیم و اجرای سیاست‌ها و هماهنگ‌سازی اعضای حزب، برنامه‌های خود را در مجلس رهبری می‌کنند. به همین سبب هریک از آن‌ها به کمک معاون خود با اعضای حزب در ارتباط بوده و نسبت به مباحث مربوطه تصمیم‌گیری می‌کنند (تنک، ۱۳۷۴، ۵۱).

۵- اختیارات کنگره

در حقوق اساسی ایالات متحده آمریکا کنگره به‌عنوان قوه مقننه مطرح شده است که به موجب اصل تفکیک قوا، اختیارات و حوزه فعالیت آن باید محدود و منحصر به حوزه قانون‌گذاری باشد، اما در واقعیت این طور نیست و کنگره دارای صلاحیت‌هایی مرتبط با تمام وظایف یک حکومت است.

۵-۱- قانون‌گذاری

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا اصل اول خود را که مشتمل بر ده بخش است، به کنگره اختصاص داده و مطابق بخش اول اصل اول اختیار قانون‌گذاری به کنگره سپرده شده است که از اصلی‌ترین و مهم‌ترین وظایف کنگره می‌باشد. کنگره به موجب اصل تفکیک قوا از صلاحیت مطلق و انحصاری در این زمینه برخوردار است و با رعایت دو شرط در چهارچوب قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند: شرط اول این است که حقوق فردی آحاد مردم حفظ شود. به این معنا که آزادی‌های شناخته شده و حقوق افراد با وضع قانون تضییع یا محدود نشود و در صورت تصویب قوانینی از این قبیل می‌توان ابطال آن را از دیوان عالی ایالات متحده آمریکا درخواست کرد. شرط دوم مربوط به صلاحیت ایالت‌ها است. به این معنا

که در ساختار فدرالی کشور صلاحیت ایالت‌ها بر طبق قانون اساسی مشخص شده است و قوانین عادی نمی‌توانند با نادیده گرفتن این صلاحیت‌ها، به این حوزه ورود کنند و حتی در صورت قانون‌گذاری دیوان عالی این قوانین را لغو خواهد کرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۸، ۴۶).

از مواردی که صراحتاً بر طبق قانون اساسی در حیطه صلاحیت قانون‌گذاری کنگره آمده است، می‌توان به نشر اسکناس، مالیات، بودجه، تنظیم امور پستی، استقراض، اعلان جنگ و صلح و... اشاره کرد. در برخی موارد نیز به طور ضمنی به کنگره اجازه قانون‌گذاری داده شده است. این اختیارات از مفهوم مدلول الفاظ یا شرایط خاصی که قانون اساسی تحت تأثیر آن‌ها به اجرا گذاشته می‌شود، قابل استنباط است. اختیارات بالملازمه نوعی دیگر از اختیارات قانون‌گذاری است که نه صریح است و نه ضمنی، بلکه لازم در معنای نتیجه و اثر برخی اقتداراتی است که در قانون اساسی عنوان شده است و یا با مجموعه اصول آن ملازمه دارد. مشخص کردن ضمانت اجرا برای قوانین وضع شده را می‌توان در زمره این اختیارات دانست. به‌رغم پیش‌بینی نشدن در قانون اساسی کنگره در شرایط بحرانی، مانند بحران‌های اقتصادی و یا جنگ، دارای اختیارات اضطراری است که با وضع قانون سعی در کنترل شرایط پیش‌آمده دارد. از دیگر صلاحیت‌های کنگره می‌توان به صلاحیت تکلیفی اشاره کرد که جنبه الزامی و اجباری دارند و کنگره موظف به اجرای آن است. به‌عنوان مثال، هر ده سال یک‌بار کنگره باید شرایط سرشماری نفوس را مهیا کند و نسبت به کرسی‌های مقرر هر ایالت در مجلس نمایندگان بر طبق نتایج به دست آمده از سرشماری، تجدیدنظر کند (بوشهری، ۱۳۷۶، ۲۶۴).

صلاحیت کنگره در حوزه قانون‌گذاری انحصاری است و این قاعده در تمامی مراحل وضع قانون، از جمله ابتکار، بررسی و تصویب، پابرجا است؛ چراکه فقط اعضای کنگره حق پیشنهاد قانون را دارند و قوه مجریه که در رأس آن رئیس‌جمهور است، اختیار و امکان تقدیم لایحه را ندارند و حتی در فرایند بررسی قانون اعضای قوه مجریه و رئیس‌جمهور حق یا تکلیفی برای حضور در جلسات، مشارکت در مذاکرات و ابراز نظرات و دیدگاه‌های خود ندارند. بر همین اساس، هرگونه ابتکار عمل، اظهارنظر، استدلال، پیشنهاد و مسائلی از این قبیل فقط مختص به اعضای هر یک از دو مجلس است. تعیین دستور جلسات، تعیین وقت مذاکره و ارجاع موضوعات به کمیسیون‌ها نیز منحصرأ داخل در صلاحیت کنگره یا یکی از ارکان است و در آخر متون پیشنهادی در کنگره بررسی می‌شوند.

طبق قانون اساسی رئیس‌جمهور موظف به امضای طرح‌های مصوب کنگره است و باید ظرف ده روز

به این کار مبادرت ورزد، البته در صورت رد کردن و برگرداندن مصوبه به مجلس تصویب کننده (وتوی عادی) دو مجلس می‌توانند با بررسی مجدد و کسب آرای موافق دوسوم اعضای کنگره، با اصرار بر مصوبه خود و تو را بی‌اثر سازند. سکوت یا خودداری رئیس‌جمهور از امضای مصوبه ظرف ده روز (وتوی جیبی) نیز در صورتی که کنگره در اجلاس در اجلاس باشد، موجب تبدیل مصوبه به قانون می‌شود؛ هرچند اگر کنگره در تعطیلات بین اجلاس یا تعطیلات نهایی (نه تعطیلات درون اجلاس) باشد به قانون تبدیل نمی‌شود (تقی زاده و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین، مصوبات کنگره بدون نیاز به تأیید مقام دیگری به قانون تبدیل می‌شوند، حتی حق وتوی عادی تعلیقی یا حق وتوی جیبی رئیس‌جمهور نیز نمی‌تواند به‌طور قطعی از تبدیل مصوبه به قانون جلوگیری کند. برای تبدیل شدن طرح‌های قانونی به قانون مجلس نمایندگان و مجلس سنا باید آن را تأیید کنند. این دو مجلس درباره تصویب قوانین از اختیار مساوی برخوردارند، اما عملاً اکثر قوانین از مجلس نمایندگان نشئت می‌گیرد، علی‌الخصوص در مسائل مالی که تنها مجلس نمایندگان از حق ابتکار قانون برخوردار است.

کمیسیون سازش، کمیسیونی متشکل از منتخبان دو مجلس است که در مواقع بروز اختلاف در جریان قانون‌گذاری مابین دو مجلس، برای حصول سازش ایجاد می‌شود. این کمیسیون سعی در تهیه متنی که مورد قبول هر دو مجلس باشد، می‌کند و در صورت موفقیت، این متن به تصویب هر دو مجلس می‌رسد و به قانون تبدیل می‌شود؛ اما در شرایطی که کمیسیون موفق به تهیه این متن نشود یا یکی از مجالس با آن مخالفت کند، در این صورت آن طرح کنار گذاشته می‌شود و مورد بررسی قرار نمی‌گیرد (Gicquel, 2003, 225).

۵-۲- سایر اختیارات

بر اساس اصل تفکیک قوا و اصول توزیع و تفکیک قدرت، هر قوه حیطه وظایف، مسئولیت‌ها و صلاحیت‌های خاص خود را بدون دخالت دیگران انجام می‌دهد و نیز حق دخالت در حوزه قوای دیگر را ندارد؛ اما این‌گونه انفصال مطلق و تفکیک در عمل استثنائاتی نیز دارد و در مواردی به ناچار برای یک قوه صلاحیت‌هایی در حیطه وظایف قوای دیگر تعیین می‌شود. کنگره ایالات متحده آمریکا به‌عنوان قوه مقننه صلاحیت اصلی و ذاتی در قانون‌گذاری دارد، اما علاوه بر این اختیارات از اختیارات دیگری در حوزه‌های مختلف دیگر نیز برخوردار است. مجموعه این اختیارات (نظیر نظارت، کنترل بودجه و داشتن جایگاه مقام تأییدکننده پست‌های مهمی نظیر قضات فدرال، سفرا و رئیس سازمان سیا) در کنار قدرت قانون‌گذاری، موجب شده که برخی محققان قائل به

اختیارات فوق‌العاده و قدرت بی‌نظیری برای کنگره باشند (امجد، ۱۳۹۶، ۲۰۳).

۱-۵-۲- اختیارات قضایی

کنگره ایالات متحده آمریکا به واسطه اختیاراتی که دارد می‌تواند افرادی از قبیل رئیس‌جمهور، معاون او، قضات و مقامات عالی‌رتبه فدرال را به اتهاماتی همچون فساد، خیانت، ارتشاء و سایر جرائم مهم، تحت تعقیب قرار داده و محاکمه نماید. کمیته قضایی سنای ایالات متحده آمریکا دارای کمیته‌های دائمی با حضور بیست و دو سناتور مجلس سنا است که نه تنها بر وزارت دادگستری، بلکه بر پذیرش نامزدهای قوه مجریه و بررسی طرح‌های تقنینی نظارت می‌کنند. نظارت کمیته قضایی بر وزارت دادگستری همه سازمان‌های زیرمجموعه وزارت دادگستری از جمله اداره تحقیقات فدرال^۱ را در بر می‌گیرد. این کمیته همچنین بر وزارت امنیت میهن نظارت می‌کند. در این شرایط مجلس نمایندگان می‌تواند بر اساس توصیه کمیسیون قضایی و با اکثریت ساده، مقامات را متهم نماید و رسیدگی به اتهامات وارده به مقامات در صلاحیت مجلس سنا به صورت غیرعلنی خواهد بود و اگر متهم رئیس‌جمهور باشد، تحت ریاست رئیس دیوان عالی کشور، حکم صادر می‌شود. لازمه محکومیت متهم آرای اکثریت دوسوم سناتورها است و حداکثر مجازاتی که مجلس می‌تواند مقرر کند، عزل از سمت و محرومیت از مشاغل دولتی است و دادگاه‌های عمومی پس از عزل محکوم علیه از مقام خود، او را از جنبه کیفری مورد تعقیب و محاکمه قرار می‌دهند.

۲-۵-۲- اختیارات نظارتی

نظارت کنگره بر قوه مجریه از سه طریق امکان می‌پذیرد: یکی از این راه‌ها صلاحیت کنگره در تحقیق، تفحص و جمع‌آوری اطلاعات درباره فعالیت‌های قوه مجریه است. کمیسیون‌های دائمی کنگره و کمیسیون‌هایی که هدف از تشکیل آن تحقیق و تفحص در موضوع معینی است، این اختیار را دارند که اشخاص از هر گروه، طبقه و مقامات قوه مجریه را برای ادای توضیحات احضار کنند و در همین راستا اسناد و مدارک مورد نیاز خود را از نهادهای مربوطه مطالبه کنند. عدم اجرای دستورات کمیسیون‌ها برای افراد احضار شده و نهادهای موجب تعقیب و محاکمه افراد خاطی خواهد شد (بوشهری، ۱۳۷۶، ۲۶۱). دومین شیوه نظارت کنگره بر قوه مجریه از طریق اختیارات مالی همانند بودجه و به صورت غیرمستقیم اعمال می‌شود. رئیس‌جمهور از طریق دفتر مدیریت و بودجه، سند بودجه را که از درآمدها و هزینه‌ها تشکیل شده، تهیه کرده و برای تصویب به کنگره می‌فرستد که در این زمان کنگره با استفاده از اختیارات

خود، نظرات خود را در این رابطه اعلام می‌کند (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۸، ۴۷).
تأمین بودجه سالیانه برای تأسیس وزارتخانه‌ها و واحدهای جدید از جمله مواردی است که در سند بودجه درج می‌شود. بر طبق مندرجات سند بودجه برای اعمالی از جمله هزینه واحدهای دولت، این فرصت در اختیار کنگره قرار می‌گیرد تا برنامه‌های سازمان‌های اداری را تحت نظارت و بررسی و تجدیدنظر قرار دهد و درباره حذف، کاهش یا ادامه وظایف هریک از واحدها تصمیم‌گیری کند. بر همین اساس، کنگره می‌تواند با تصویب نکردن اعتبارات سند بودجه، اقدامات رئیس‌جمهور را با مشکل مواجه کند و یا نظرات خود را بر وی تحمیل کند (بوشهری، ۱۳۹۰، ۲۶۰). راه سومی که کنگره به وسیله آن می‌تواند بر قوه مجریه نظارت کند، ابطال آیین‌نامه‌های اجرایی به وسیله هرکدام از دو مجلس با اکثریت عادی است.

۳-۵-۲- اختیارات گزینشی

کنگره در دو حالت می‌تواند در زمینه انتخاب رئیس‌جمهور و معاون وی دخالت کند: اگر در انتخابات ریاست جمهوری و معاون وی هیچ‌یک از کاندیداها حائز اکثریت مطلق آرا یعنی حداقل دویست و هفتاد رأی از مجموع پانصد و سی و هشت رأی به وسیله هیئت انتخاب‌کننده انتخاب نشوند، مجلس نمایندگان از سه نفر اول یک نفر را به سمت ریاست جمهوری انتخاب می‌کند و مجلس سنا از دو نفر باقیمانده یک نفر را به‌عنوان معاون ریاست‌جمهور انتخاب می‌کند. حالت دوم در صورت فوت، استعفاء و یا عزل معاون رئیس‌جمهور امکان تحقق دارد. در این صورت طبق بیست و پنجمین تجدیدنظر در قانون اساسی که در سال ۱۹۶۷ میلادی تحقق پیدا کرد، جانشین وی به وسیله رئیس‌جمهور با تصویب کنگره، انتخاب می‌شود و در صورت فوت رئیس‌جمهور، عزل، استعفاء و یا ناتوانی وی منتخب کنگره یعنی معاون رئیس‌جمهور، جانشین وی خواهد شد (Gicquel, 2003, 257).

۴-۵-۲- اختیارات تأسیسی

از نقش اساسی کنگره ایالات متحده امریکا در رابطه با تجدیدنظر در قانون اساسی این کشور، نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. پیشنهاد تجدیدنظر با اکثریت دوسوم اعضای هریک از دو مجلس به تصویب می‌رسد؛ یا به وسیله قوه مقننه دوسوم ایالت‌ها ارائه می‌شود. در فرض دوم کنگره با دعوت کنوانسیون پیشنهاد را توسط کنوانسیون ارائه می‌دهد و این پیشنهاد باید توسط سه‌چهارم ایالات مورد تأیید قرار گیرد و کنگره ایالات متحده امریکا درباره اینکه تأیید به وسیله قوای مقننه ایالات، یا کنوانسیون‌های تشکیل شده درباره موضوع اتخاذ شود، تصمیم‌گیری می‌کند.

۵-۵-۲- اختیارات تجویزی

بخش هشتم اصل اول قانون اساسی اعلان جنگ و اقدامات نظامی خارج از کشور را با مجوز کنگره امکان‌پذیر دانسته است، اما در این مورد ابتکار عمل در دست رئیس‌جمهور است و کنگره در مقابل عمل انجام شده قرار می‌گیرد. عملاً بیش از دویست بار از نیروهای مسلح استفاده شده، درحالی‌که فقط پنج بار از کنگره درخواست مجوز اعلان جنگ شده است. اما در سال ۱۹۷۳ میلادی کنگره قانونی به نام «قانون اختیارات جنگی» را تصویب کرد و بر طبق آن رئیس‌جمهور ملزم شد در صورت امکان چهل و هشت ساعت پیش از اعزام نیرو به خارج، با کنگره مشورت کرده و گزارشی به کنگره تسلیم کند و کنگره می‌تواند نسبت به بازگرداندن نیروها اقدام کند و رئیس‌جمهور موظف به تبعیت از این خواسته است؛ یا اگر در مدت شصت روز از تاریخ اعزام نیروها، کنگره تداوم عملیات را صلاح نداند، رئیس‌جمهور مکلف است آن را خاتمه دهد. بر طبق همین قانون کنگره سه روز بعد از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی این اجازه را به رئیس‌جمهور داد که سازمان‌ها و دولت‌های مؤثر در حادثه را مورد حمله نظامی قرار دهد.

۶-۵-۲- اختیارات ویژه مجلس سنا

برای مجلس سنا به‌عنوان مجلس ایالت‌ها در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، دو جایگاه در نظر گرفته شده است: در وهله اول این مجلس به همراه مجلس نمایندگان، دارای اختیار قانون‌گذاری است. همچنین این مجلس به‌عنوان نهادی مشورتی برای قوه مجریه و رئیس‌جمهور در نظر گرفته شده است تا در انجام برخی وظایف یاری‌رسان باشد. بر اساس قسمت دوم اصل دوم قانون اساسی، مجلس سنا از اختیار در زمینه برخی انتصابات و سیاست خارجی برخوردار است و به همین سبب برخلاف اصل تفکیک قوا، امکان دخالت در امور اجرایی را دارد. رئیس‌جمهور باید برای انتصاب وزراء، سفراء، قضات فدرال از جمله قضات دیوان عالی کشور، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح، کارمندان عالی‌رتبه، اعضای برخی کمیسیون‌ها، دفاتر اجرایی و مواردی که شیوه انتصاب آنان صراحتاً مشخص نشده، موافقت مجلس را اخذ نماید. شروع مذاکرات و انعقاد معاملات در حیظه وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور است، اما تصویب معاهدات در قلمروی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در حوزه اختیارات مجلس سنا است و معاهدات انعقاد یافته اگر با اکثریت دوسوم آرای اعضای حاضر و رأی‌دهنده در مجلس سنا تأیید شود، دارای اعتبار است. این نکته به این معنا است که اگر یک سوم سناتورها مخالف معاهده‌ای باشند، آن معاهده تصویب نمی‌شود و در عمل اقلیت مجلس سنا از حق و تو برخوردارند. رؤسای جمهور برای کم کردن اختیارات مجلس سنا، به‌جای انعقاد معاهدات، موافقتنامه‌ای ساده با عنوان «موافقتنامه اجرایی» منعقد می‌کنند که

به وسیله آن و با امضای خود ایالات متحده امریکا را متعهد می کنند. در ابتدا این نوع موافقتنامه‌ها فقط در مورد مسائل کم اهمیت منعقد می شد، اما از سال ۱۹۳۷ میلادی که مغایر نبودن آن با قانون اساسی اعلام شد، اهمیت و تعداد آن‌ها نیز افزایش پیدا کرد. موافقتنامه‌های اجرایی پارلمانی روش دیگری برای کمرنگ کردن نقش مجلس سنا بود. مطابق این شیوه رئیس جمهور در عوض ارسال معاهدات به مجلس سنا، معاهده با اکثریت ساده و نه اکثریت دوسوم به تصویب هر دو مجلس می‌رساند. این نوع مصوبه از همان اعتبار مورد تأیید مجلس سنا برخوردار است.

۶- اختیارات رئیس جمهور در برابر کنگره

قانون اساسی ایالات متحده امریکا با تأکید بر لزوم همکاری قوا برای دستیابی به اهداف نظام سیاسی، مراتبی را برای ارتباط متقابل همراه با اختیار متقابل، میان قوه مقننه و قوه مجریه ارائه کرده است. از ابزارهای مهم رئیس جمهور برای تأثیرگذاری بر قوه مقننه، می‌توان به پیام به کنگره و امضای قوانین مصوب آن نام برد.

۶-۱- پیام به کنگره

در ایالات متحده امریکا بر اساس اصل تفکیک قوا، رئیس جمهور و همکاران او در هیچ یک از مراحل قانون گذاری از جمله پیشنهاد، بررسی و تصویب امکان مشارکت ندارند؛ اما قانون اساسی این کشور برای برقراری ارتباط و تأثیرگذاری در این روند، امکان ارسال پیام به کنگره را برای رئیس جمهور فراهم ساخته است. رئیس جمهور در آغاز هر جلسه، کنگره را از طریق ارسال این پیام در جریان مسائل مهم و حیاتی کشور قرار می‌دهد. ارسال این پیام بر طبق قانون اساسی الزامی بوده و قرائت آن از مهم ترین لحظات در زندگی سیاسی ایالات متحده امریکا است. این پیام این امکان را به رئیس جمهور می‌دهد که برای نمایندگان و سناتورها اصول سیاستی خود و قوه مجریه را، در امور داخلی و خارجی کشور، شرح دهد؛ اما همراه با پیام سالانه، اصول کلی لوایح نیز به مجلس مقننه ارسال می‌شود تا کنگره سیاست قانون گذاری خود را با آن منطبق کند و پروژه‌های پیشنهاد شده توسط رئیس جمهور به صورت طرح توسط نمایندگان تهیه و سپس پیشنهاد و در انتها برای تصویب آماده شود (قاضی شریعت پناهی، ۱۴۰۲، ۲۶۱).

رئیس جمهور با ارسال پیامی به نمایندگان در رابطه با بودجه، برنامه‌های مالی خود را به اطلاع آنان می‌رساند. لایحه بودجه که توسط دفتر مدیریت و بودجه ریاست جمهوری تنظیم می‌شود نیز همراه با این پیام به کنگره ارسال می‌شود. گزارش اقتصادی رئیس جمهور هر سه ماه یک بار به کنگره ارائه می‌شود. همچنین

رئیس‌جمهور می‌تواند در پیام‌هایی خاص تقاضای قانون‌گذاری در موضوعات مشخصی را از کنگره درخواست کند، اما کنگره بر اساس قوانین ملزم به پذیرش این درخواست نیست (Ardant, 2000, 231).

۶-۲- امضای قوانین

برای اینکه مصوبات کنگره تبدیل به قانون و اجرایی شود، باید رئیس‌جمهور آن را ظرف مهلت مقرر (ده روز) امضاء کند. بر همین اساس او می‌تواند از امضای آن خودداری کند و مصوبه را برای رسیدگی دوباره و یا تغییر و اصلاح به کنگره بازگرداند (قاضی شریعت پناهی، ۱۴۰۲، ۲۶۱)، که در این حالت رئیس‌جمهور از حق وتوی عادی تعلیقی خود استفاده می‌کند. در شرایطی نیز که مهلت زمان ده روز برای امضاء و یا برگرداندن مصوبه رئیس‌جمهور منقضی شود، رئیس‌جمهور از طریق استفاده از حق وتوی جیبی، می‌تواند از تبدیل آن به قانون جلوگیری کند. در حالت اول کنگره می‌تواند با تائید مصوبه قبلی خود با اکثریت دوسوم آرا و در حالت دوم با مطرح کردن دوباره موضوع در ابتدای اجلاس بعدی و تصویب آن، در مقابل وتوی رئیس‌جمهور مقاومت کند.

۴-۷- اختیارات کنگره در برابر رئیس‌جمهور

کنگره نیز از ابزارهای خاصی برای تأثیرگذاری بر قوه مجریه برخوردار است، به طوری که رئیس‌جمهور نمی‌تواند در تصمیمات و اقدامات خود آن را نادیده بگیرد. به موجب قانون اساسی، کنگره دارای اختیاراتی است که به وسیله آن اقدامات، رئیس‌جمهور را تحت نفوذ قرار می‌دهد و از جمله این اختیارات می‌توان به حق تعقیب و محاکمه رئیس‌جمهور و سایر افراد عالی‌رتبه قوه مجریه به دلایلی همچون فساد، خیانت، جرائم مهم دیگر و در نهایت عزل آن‌ها اشاره کرد. همچنین حق تحقیق و بازرسی از قوه مجریه در اختیار کمیسیون‌های دائمی، علی‌الخصوص کمیسیون تحقیق، قرار داده شده که می‌توانند همه مقامات به جز رئیس‌جمهور و معاونش را برای توضیحات، فرا بخوانند. حتی رئیس‌جمهور در صورت انعقاد معاملات بین‌المللی و انصاب مقامات عالی قوه مجریه، باید تائید مجلس سنا را بگیرد.

مجالس مقننه اختیار ابراز نظر در امور کشوری را دارند و می‌توانند سیاست‌ها و فعالیت‌های قوه مجریه را مورد انتقاد قرار داده و اگر در این راه موفق به جلب نظر افکار عمومی شدند، قوه مجریه را به اصلاح روش خود و یا تغییر اجبار کنند. کنگره با در اختیار داشتن حق تصویب بودجه، می‌تواند از آن به عنوان اهرم فشاری برای تحمیل نظرات خود علیه رئیس‌جمهور، استفاده کند، بدین معنا که اگر کنگره اعتبارات لازم و پیش‌بینی شده را در اختیار رئیس‌جمهور قرار ندهد عملاً رئیس‌جمهور توان اجرایی کردن سیاست

و برنامه‌های خود را نخواهد داشت. به همین سبب رئیس‌جمهور باید ارتباط و روابط خود را با مجالس تقویت کند و نسبت به خواسته‌های آنان بی‌توجه نباشد.

۸- احزاب سیاسی و کنگره

از نقش احزاب سیاسی و گروه‌های نفوذ در کشورهای دارای نظام مردم‌سالار، در ارتباط با امور سیاسی، نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا هیچ اشاره‌ای به چگونگی تشکیل و فعالیت احزاب نشده اما فضای سیاسی ایالات متحده آمریکا همیشه صحنه فعالیت احزاب بوده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۸۸). در ایالات متحده آمریکا حزب متبوع رئیس‌جمهور الزاماً همان حزب اکثریت کنگره نیست و حتی در صورت داشتن اکثریت، اجباری به حمایت مطلق و بی‌قید و شرط از رئیس‌جمهور را ندارد، اما چون رئیس‌جمهور از رهبران حزب متبوع می‌باشد، نفوذ وی در حزب بسیار قابل توجه بوده؛ لذا از نمایندگان و سناتورهای حزب خود در جهت اجرای فعالیت‌ها و سیاست‌های مطلوب خود استفاده می‌کند (قاضی شریعت پناهی، ۱۴۰۲، ۲۶۱) و به واسطه آن‌ها طرح‌های قانونی مدنظر خود را به کنگره ارسال و با حمایت آن‌ها به قانون تبدیل می‌کند؛ اما این روابط متقابل است و رئیس‌جمهور در تنظیم برنامه‌ها، سیاست‌ها و انتخاب افراد قوه مجریه باید نظرات افراد حزب را مدنظر قرار دهد.

نظام دوحزبی در ایالات متحده آمریکا پابرجا است که دو حزب بزرگ آن حزب دموکرات و حزب جمهوری‌خواه نام دارد. احزاب دیگری نیز در این کشور به فعالیت می‌پردازند، ولی به دلیل عدم تأثیر در سیاست‌های این کشور مورد توجه قرار نمی‌گیرند. حزب جمهوری‌خواه و حزب دموکرات از منظر مبانی عقیدتی اختلافی با هم ندارند و هر دو به جریان فکری لیبرالیسم تعلق دارند و دنباله‌رو اندیشه‌های مارکسیسم و سوسیالیسم نیستند. آن‌ها ضمن دنبال کردن اهداف مشترک، فقط در طریقه رسیدن به این اهداف با یکدیگر اختلاف دارند و در این حیطة با هم رقابت می‌کنند. پایگاه اجتماعی حزب دموکرات و جمهوری‌خواه متفاوت نیست و متعلق به طبقه خاصی نیستند و از تمام اقشار در هر دو حزب وجود دارد.

احزاب ایالات متحده آمریکا اگرچه به‌عنوان احزاب ملی شناخته می‌شوند، اما بسیار غیرمتمرکزند و اغلب مانند فدراسیونی از سازمان‌های سیاسی محلی ظاهر می‌شوند. چهارچوب طبیعی این احزاب ایالت است، نه اتحادیه و طبق گفته «آیزنهاور» در ایالات متحده آمریکا احزاب ملی وجود ندارند و در عوض چهل هشت حزب ایالتی موجود هستند. فعالیت‌های احزاب ایالات متحده آمریکا در دوران انتخابات به‌شدت افزایش می‌یابد و تلاش مسئولان احزاب در دوران انتخابات، حتی با وجود رسانه‌های گروهی و

اینترنت، برای مبارزات انتخاباتی و جمع‌آوری کمک‌های مالی، قابل چشم‌پوشی نیست. احزاب با حمایت از کاندیداهای خود، فعالیت‌های آن را مدیریت و سازمان‌دهی می‌کنند.

۹- گروه‌های ذی‌نفوذ و کنگره

گروه‌های نفوذ برخلاف احزاب سیاسی سعی در اعمال قدرت سیاسی در کشور را ندارند و هدف آنان نفوذ در این سیستم برای تحت تأثیر قرار دادن اقدامات و تصمیمات آنها است. در ایالات متحده امریکا پدیده گروه‌های فشار از اهمیت برخوردار است، به طوری که کاملاً در جامعه ایالات متحده امریکا مورد قبول واقع شده است. این گروه‌ها که در سطح ملی و ایالتی عمل می‌کنند، دو نوع هستند: دسته‌ای از این گروه‌ها به شکل غیرسازمان‌یافته و با انگیزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و یا به دلیل نقطه اشتراکی همچون نژاد، ملیت و مذهب شکل می‌گیرند. به‌عنوان مثال، لابی‌های عرب، یهودی، کاتولیک که سازمان خاصی ندارند اما در نظام سیاسی نقش بسیار مهمی را ایفاء می‌کنند، حتی اگر خواسته خود را صریح اعلام نکنند، اما دولت باید نظرات آنان را پیش از تصمیم‌گیری در بعضی از امور مورد توجه قرار دهد. دسته دوم این گروه‌ها بر اساس اراده و کاملاً سازمان‌یافته شکل می‌گیرند. حمایت‌کنندگان محیط زیست، کشاورزان، کارگران و صنعتگران از جمله اقشاری هستند که در جهت دفاع و حفظ منافع خود انجمن تشکیل داده‌اند.

گروه‌های ذی‌نفوذ در امور سیاسی مهم معمولاً جبهه‌گیری نمی‌کنند و جز در موارد لزوم از هم‌سویی با جریان‌ات دو حزب بزرگ اجتناب می‌کنند. حیطه فعالیت گروه‌های نفوذ اطلاع‌رسانی به جهت تحت تأثیر قرار دادن محافل سیاسی و افکار عمومی است.

۱۰- روابط کنگره با قوه مجریه و قوه قضاییه

روابط کنگره با قوه مجریه: اول- کنگره بودجه دولت فدرال و هزینه‌های قوه مجریه را تصویب می‌کند. دوم- اعضای کابینه و مقامات ارشد دولتی باید توسط کنگره تأیید شوند. سوم- کنگره می‌تواند از طریق فرایند استیضاح، رئیس‌جمهور و مقامات ارشد دولتی را برکنار کند. چهارم- رئیس‌جمهور حق وتو کردن لوایح تصویب شده در کنگره را دارد که کنگره می‌تواند با اکثریت دوسوم آن را رد کند. پنجم- اعلان جنگ باید با تصویب کنگره باشد. روابط کنگره با قوه قضائی: اول- قضات دیوان عالی و دادگاه‌های فدرال باید توسط کنگره تأیید شوند. دوم- کنگره محدوده صلاحیت و تشکیلات دادگاه‌های فدرال را تعیین می‌کند. سوم- دیوان عالی صلاحیت نظارت بر قوانین تصویب شده در کنگره از نظر سازگاری با قانون اساسی را دارد. چهارم- کنگره می‌تواند فرایند استیضاح قضات دیوان عالی و

دادگاه‌های فدرال را آغاز کند. در کل نظارت و توازن میان قوا از طریق این روابط متقابل تأمین می‌شود تا از تمرکز قدرت در یک قوه جلوگیری شود.

نتیجه

کنگره ایالات متحده آمریکا دارای اختیارات گسترده‌ای در زمینه‌های قانون‌گذاری، تصویب بودجه دولت، اعلان جنگ، تصویب معاهدات خارجی، تأیید وزرا و قضات دیوان عالی، استیضاح رئیس‌جمهور و رد وتوی وی است. با این حال، قدرت دو مجلس سنا و نمایندگان متفاوت است. مجلس نمایندگان در مقایسه با سنا از قدرت بیشتری برخوردار است، اما به‌تنهایی نمی‌تواند چالش جدی برای رئیس‌جمهور ایجاد کند. رئیس‌جمهور می‌تواند از طریق فرمان‌های اجرایی، بسیاری از امور را پیش ببرد. همچنین وی قادر است لوایح مصوب کنگره را وتو کند که شکستن این وتو نیازمند رأی دوسوم اعضای هر دو مجلس است که با توجه به ساختار دو حزبی ایالات متحده آمریکا، دستیابی به آن دشوار است.

بر اساس قانون اساسی، کنگره در کنار دولت، نقش اساسی در فرایند تصمیم‌گیری، تدوین و نظارت بر اجرای سیاست خارجی و امنیت ملی ایالات متحده آمریکا را بر عهده دارد. درک دقیق کارکرد این نهاد قانون‌گذاری در بستر مفاهیمی چون بنیادهای درونی ایالات متحده آمریکا، باورهای حاکم، روندهای سیاسی داخلی کنگره و ارتباط میان سیاست داخلی و خارجی این کشور امکان‌پذیر است. هر یک از مجالس کنگره اختیار تنظیم قوانین در هر زمینه‌ای را دارند، به جز افزایش درآمدها که باید از مجلس نمایندگان آغاز شود. اگرچه در عمل، هر مجلس می‌تواند در برابر لوایح تصویب شده در مجلس دیگر رأی دهد یا اصلاحیه وارد کند. در چنین مواردی، کمیته‌ای مرکب از نمایندگان هر دو مجلس باید برای رسیدن به توافق تلاش کنند تا لایحه قابل قبول برای هر دو طرف شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- امجد، محمد، ۱۳۹۶، **سیاست و حکومت در ایالات متحده**، تهران، انتشارات سمت.

- بوشهری، جعفر، ۱۳۷۶، **حقوق اساسی**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- بوشهری، جعفر، ۱۳۹۰، **حقوق اساسی تطبیقی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- تقی زاده، جواد؛ نجابت خواه، مرتضی؛ کلکلی، الیاس، ۱۳۹۹، وتوی رئیس جمهور در حقوق ایالات متحده، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۹۱.
- تنک، آندره، ۱۳۷۴، **حقوق ایالات متحده امریکا**، ترجمه دکتر سیدحسین صفایی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دهشیار، حسین، ۱۳۸۳، کنگره و ماهیت سیاست خارجی امریکا، **فصلنامه مطالعات منطقه‌ای**، شماره ۱۹.
- زرنک، محمد، ۱۳۸۴، **سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و امریکا**، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شیخ الاسلامی، سیدمحسن، ۱۳۹۸، **حقوق اساسی تطبیقی**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- علوی، سیدیچی و امیری، داریوش، ۱۳۹۵، نقش کنگره و وزارت خزانه‌داری امریکا در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۰-۲۰۱۴)، **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، شماره ۳۴.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۴، **حقوق اساسی تطبیقی حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- فابرینی، سرجیو، ۱۳۸۷، **دموکراسی و فدرالیسم در اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا در جست‌وجوی حکمرانی پساملی**، ترجمه مصطفی زهرانی و علیرضا قربانپور، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- قاضی شریعت پناهی، سیدابوالفضل، ۱۴۰۲، **بایسته‌های حقوق اساسی**، چاپ شصت و هفتم، تهران، انتشارات میزان.
- مرادی، حسین و دهشیار، حسین، ۱۳۹۶، نقش کنگره ایالات متحده در وضع تحریم‌ها علیه ایران، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۳۳.
- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۷، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی**، چاپ بیستم، تهران، انتشارات میزان.

لاتین

- Ardant, Philippe, 2000, Institutions politiques et droit consitutionnel, 12th ed, L.G.D.J.
- Gicquel, Jean, 2003, Dorit constitutionnel et institutions politiques, 19th ed.
- Pactet, Pierre, 2003, Institutions pollitiques, droit constitutionnnel, Dalloz.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.20- Summer 2024

The Place of Congress and its Powers in the Political System of the United States of America

Amirreza Mahmoudi, Abbas Taghvaei, Mohades Ghavami Pour Sereshkeh

Challenge of the Presence of Civil Societies in Criminal Proceedings of Iran

Ensieh Salimi, Ali Dadkhah

An Analysis on the Imposition of Criminal Liability on Judicial Officers with an Emphasis on the Theory of “Participation with Virtue” in Iranian Law

Hadi Masoudifar, Nafiseh Shirazi

Criminalization of Hunting Children and Teenagers in Cyberspace in Iranian Law

Hamid Ayadehpour, Maryam Kamaei, Daryoush Kalantari

Guardian’s Responsibility: Study of Iranian and French Legal Systems

Akram Makki, Esmacil Kashkoulani

Agency of Genes in Cyber Crimes and its Effect on Committing Criminal Behavior with an Emphasis on Cyber Criminology

Sajjad Saanatjou, Maedeh Daghighi, Shahrooz Darbandi

Feasibility Assessment of the Legitimacy of Replacing the Endowment Property in Islamic Jurisprudence Schools and Subject Laws of Iran

Elham Tabarsa, Mohaddeseh Sadeghian Lamraski

Analyzing Avicenna’s Views about Women and Children and comparing it with the Provisions of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women and the Convention on the Rights of the Child

Mohamad Mahdi Davar, Reyhaneh Sadeghi

Analyzing the Implementation Challenges of the Bail Confiscation Order in the Branches of the Execution of Criminal Sentences

Akbar Mahmoodi, Iman Esfandiari

Feasibility of Legitimate Self-defense through Cyber Attacks

Saleh Gholam Heidari

Governance Challenges Based on Sustainable Development in Iran’s Budgeting System

Mohammad Mahdi Rezvanifar, Zahra Salimi

Building a State that Works for Women: Integrating Gender into post-conflict State Building

Marjan Moradi

Weapons of War Tools of Justice: Using Artificial Intelligence to Investigate International Crimes

Navid Zamaneh Ghadim, Aram Abbaspour Jalali

The Role and Importance of the Administrative Court of Justice in Guaranteeing Individual Rights

Zahra Memarian